

نظور مساجد روستائی

در اصفهان

نوشته ماکسیم سیرو

ترجمه: کرامت اله افسر

" ماکسیم سیرو " محقق و استاد ارزنده معماری که در سال ۱۳۵۵ شمسی در هفتاد و چند سالگی بدرود زندگی گفت، یکی از انگشت شمار دانشمندانست که در مدت اقامت خود در ایران تا آنجا که توانسته به شناسائی مساجد، راهها، کاروانسراها و سایر ابنیه‌های کد از روزگاران پیش در کشور ما باقی مانده پرداخته است. سیرو که ضمن دهها خدمت خود در این زمینه استاد نخستین دوره دانشکده معماری تهران هم بوده است نتیجه تحقیقات خود را در اختیار انجمن فرانسوی باستانشناسی شرق در قاهره I. F. A. C. قرار داده که اکثر این تحقیقات تاکنون به چاپ رسیده و بعضی از آنها را سازمان ملی حفاظت اثار باستانی ایران به زبان فارسی برگردانده و منتشر کرده است.

سیرو به کارهای معماری و هنرهای ساختمانی ایران دلبستگی زیادی داشته و در اکثر مجلات و نشریات معماری جهان آثار کوتاه و بلند او که در مورد بناهای باستانی ایران نوشته شده به چاپ رسیده است. این پژوهشگر عالیقدر بارها از اینکه آثار بزرگ هنری ایران رو به ویرانی است و یا سنگ و آجرشان کنده شده و در بناهای دیگر بکار رفته اظهار تاسف و تالم کرده و علاوه بر آنکه با دقت خاص، ویژه‌گیهای معماری هر بنا را شرح داده تا برای پژوهشگران بعدی راهگشا و مفتاحی سودمند باشد، همواره به سرنوشت غم انگیز آنها که در اثر سهل انگاری و یا دورافتادن از جاده‌های اصلی در حال نابودی هستند اشارات غم انگیزی می‌کند. بسیاری از بناهایی که ماکسیم سیرو در نوشته های خود نام می‌برد امروز دیگر وجود ندارد و دست تطاول و طبیعت و مردم نا آگاه آنها را نابود کرده است اما لااقل شنیدن این نام ها ممکن است علاقمندان را به اندیشه و تفکر وا دارد تا شاید از انهدام بقیه جلوگیری شود و برای بررسیهای علمی پژوهشگران سالهای آینده در نگاهداری آنچه که باقی مانده توجه بیشتری مبذول شود.

مقاله‌ای را که در این شماره میخوانید در حقیقت نیمی از یک کتاب کوچک، این دانشمندگرا نقدر می‌باشد و نیم

دیگر آن را در شماره آینده به نظر تان خواهیم رساند.

نگاهی به
زندگی
سیرو

بعضی مناطق فلات وسیع ایران بهتر از جاهای دیگر برای تحقیق دربارهٔ ویرانه‌های قدیم آمادگی دارد. نمونهٔ بارز این نوع مناطق، درهٔ درازی است که رودخانه زاینده‌رود با پیچ و خمهایی از آن میگذرد همچنین سواحل این رودخانه نیز چنین وضعی دارد (۱).

درمنتها الیه شمال غرب این حوضهٔ رسوبی در قرن هفتم میلادی آثاری از شهر اصفهان وجود نداشته است. در آن روزگار بجای شهر، روستاهای نزدیک بهم مساکن زیبا و گاهی عمارات سلطنتی نیز بطور پراکنده در وسط مزارع و بوستانهایی که کناره‌های رودخانه را احاطه کرده بود قرار داشت (۲)

در حقیقت این محل که فراوانی آب و سلامت هوایش آنرا ممتاز ساخته از دیرباز محل تلاقی راه‌های مهم بوده است. در همین جا بود که پس از جنگ تاریخی نهاوند (۶۴۲ میلادی) آخرین شاه ساسانی بزدگرد سوم همراه درباریانش دوباره نیروهای خود را گردآوری کرد تا اینکه بدنیال نیروی خونین مملنان پیروز او را تاگیر ساختند که در سال ۶۴۴ بسوی استخر عقب نشینی کند.

از محل اصفهان مهاجمان تاخت و تاز خود را در امتداد راه‌هایی که به دشتها و کویرها و کوه‌ها منتهی میشد دنبال کردند و همراه آنها آئین تازه اسلام نیز پیشروی میکرد. درین پیشروی مهاجمان به مردم ساکن روستاهایی برمیخوردند که وارث تمدن کهن بودند. در ابتدا مردم روستا به این مهاجمان جنگجو و سوارز توجهی نمیکردند و در برابر آنها مقاومت‌های محلی می‌پرداختند. در نتیجه بی‌نظمی عمومی و از هم پاشیدگی بعدی وسعت یافت که بزودی و با سرعت در آمدن به مذهبی که نزدیک به آئین قدیم بود و نظم‌نویسی را بشارت میداد رواج یافت (۳).

بنابراین در طول جاده‌ها و در دهکده‌ها و منزل‌گاه‌هایی

که بین راهها بود اسلام مستقر گردید. از این اماکن تعدادی بجای مانده است اما بیشترین آنها بصورت ویرانه و تپه‌های بی شکل است. خوشبختانه در میان آنها گهگاه آثاری بر معنی و چند بنایی که بهتر بحای مانده کشف میگردد. اینها نادرترین و واپسین شواهدی است که از آثار بسیار نخستین قرون اولیهٔ هجری محفوظ مانده است (۴). این آثار وسعت مساجد شهری را که محصول تغییرات عمیق و بازسازیهای کلی ادوار درخشان بعدی است ندارند بلکه بر عکس شایسته است که آنها را در همان وضع اولیه خود حفظ کنند و یا اگر دستخوش تغییراتی شده‌اند بهمان وضع باقی بمانند تا مراحل تغییر شکل آنها بالنسبه تکاملشان بطرز روشنی در معرض دید پژوهندگان قرار گیرد.

در ارتباط با این وضع که تا قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) ادامه دارد، در ارائه این آثار ما از همان فرق و امتیازی که آندره گدار بین مساجد با سنت معماری ایران و مساجد با اصطلاح عربی که ربر نظر حکام خلفای عباسی در ایران ساخته شده قائل گردیده و از آن پس جنبهٔ کلاسیک یافته‌اند پیروی خواهیم کرد (۵).

بدون تغییر و تبدیلی در این طبقه بندی لازم است آنرا با دو دستهٔ مهم و ناشناخته از نمونه‌های اصیل ایرانی تکمیل کنیم که چند توضیح مقدماتی مورد استفاده آنها را روشن خواهد ساخت:

هنگامی که مسلمانان بداخل ایران نفوذ کردند هیچ نوع فرمول معماری که رانیده نبوغ آنها یا منطبق با مذهب آنان باشد درین سرزمین بکار نبردند. برحسب این پدیده اماکن عمومی بسیار که ویژه اجرای مراسم آئین ملی بود مستقیماً "توسط نو مسلمانان ایران مجدداً" مورد استفاده یا تقلید قرار گرفت. اینان در احداث بناهای تازه طرح چهارطاق را که عنصر اساسی بیشتر معابد زردشتی بود به مقیاسی

کوچکتر بر دیگر طرحها ترجیح دادند. این انتخاب باز باعث نشد که از بناهای دیگر با ابعاد کمتر که اکنون بسیار رایج و دارای مورد استعمال زیادی است مانند چهارطاقی که ایوان یا ایوانهای ساده و رواقهایی مقدم بر آنست صرف نظر کنند.

معدلک از آغاز اسلام هر زمان که ضرورت ایجاب میکرد مومنان می‌توانستند هنگام نماز جماعت در درون بناهای وسیع ملی خود دورهم جمع شوند. در ایران آب و هوا بسیار متنوع است. علاوه بر بخشهای بزرگ جغرافیایی در نواحی کوچکتر نیز وضع اقلیمی خاصی وجود دارد. در نواحی معتدل مثلا "در استان اصفهان بفاصله کمی محلهای بسیار گرم با بادهای خاک‌آور مزاحم یا دره‌های خنک قرار دارد. علاوه در هر یک از این امکنه اختلاف درجه حرارت در مدت شبانه‌روز فوق‌العاده زیاد است. بر روی فلاتی که باران بندرت می‌بارد هیچ چیز مانع ادای نماز در هوای آزاد در برابر محرابی که بنای کوچک آنرا حفظ می‌کند نیست (۶). اما این سهولت استعمال هنگام نیمروز و موقع سرمای شدید به زحمت انجام میشود. بالنتیجه تالارهای بسته نسبت به وسیع برای یک اجتماع روستائی محققا "در جاهای بسیاری به فضاهای سرپوش افزوده شده یا بر آنها ترجیح یافته است. برای چنین گزینش طبیعی لازم نبود منتظر ظهور خلفای بغداد نشستند تا آنها برواج آن نوع مساجد با اصطلاح عربی‌شان سیردازند که دارای رواقهای متعدد بود (۷). از قرنهای پیش در ایران تالارهای بسته که بطریق‌گوناگون ایجاد شده بود بکار گرفته میشد. بناهای غیر مذهبی ساسانی خواه ساخته شده از مصالح خوب (سنگ نائراش و آجر) و خواه از خشت خام، فوق‌العاده زیاد بود. در میان قسمتهای ناچیزی که تا زمان ما باقی مانده باستانهای چند کاخ، چیزی بجز محدودی مسکن اعیانی و غیره که دارای اهمیت ویژه‌ای هستند بچشم نمیخورد (۸).

معدلک با شناخت ذوق سنتی ایرانیان در مورد مسکن میتوان تصور کرد که این نوع ابنیه با انواع شناخته شده فرقی نداشته‌اند: یعنی خانه‌های وسیعی بوده‌اند که بدور حیاطهایی مزین به دو یا چهار ایوان ساخته شده بوده‌اند. چند حفاری که در بعضی اماکن متروک مربوط به اوائل اسلام انجام گرفته بدون شک تداوم این سبکهای ساختمانی را و اثری که آنها در ایجاد و شکل‌گیری مساجد یا مدارس کوچک داشته‌اند نشان میدهد.

● طبقه بندی مساجد اولیه

آندره گدار پس از تحقیقاتی که سالهای متمادی انجام داد مساجد قدیمی را بحق به دو خانواده ایرانی و عربی تقسیم کرد (۹).

خانواده ایرانی بعقیده ما از سه دسته الگوهای اصلی مربوط به پیش از اسلام ناشی میشود که آنها را بطور دلخواه تحت عنوانها A و B و C تقسیم می‌کنیم.

دسته A شامل بناهای جسم بسیار ساده حتی آنهایی که گذار پیش‌کشیده است میشود: آنها عبارتند از (پ و بر ۱) چهارطاق، کلاه فرنگی که گنبد آن روی چهار قوس قرار گرفته‌است. این نوع بنا که از قدیم مورد استعمالهای متعدده داشته و هنوز هم چنین است بویژه در آئین رردشتی مورد عنایت ویژه بوده است زیرا توده آتشی را که در پناه خود نگهداریدند از جهات بیشتری نمایان بود (۱۰).

۲. B (که افزوده است) چهارطاقی که از اطراف با رواق کوچکی احاطه شده است.

B) چهارطاقی که ایوانی در جلو آن قرار گرفته‌است (۱۱)
C) ایوان ساده (۱۲)

D) رواق دالان ماندی که وسط آنرا گنبدی پوشانده (۱۳)
دسته B که ما بر آن می‌افزاییم (تصویر ۲) بناهای زیر را دربر میگیرد:

E) تالارهای ستون‌داری که ستونهای آنها از چوب یا مصالح

دیگر ساخته شده با سقفهای مسطح پوشیده گردیده اند، محققا " پیش از شاهنشاهی هخامنشی عماراتی از این قبیل وجود داشته است. در تخت جمشید نمونه های بزرگ و کوچک این نوع وجود دارد.

f) تالارهایی که از دالانهای چسبیده بهم و پوشیده با طاقهای آهنگ تشکیل یافته و دیوارهای پایه های طاق ها مشترک بوده و دهانه های نزدیک بهم این دیوارها را بریده است (۱۴).

g) تالارهایی که با گنبد های کوچک زیادی که بر روی جرزه های مستحکمی متکی هستند پوشیده شده است. دسته C (تصویر ۳) از مسکنی تشکیل شده که دارای حیاطی مرکزی است مزین به دو ایوان (فیروز آباد) یا چهار ایوان (نسا و آشور و بیتاپور و طیسفون و سروستان) (۱۵).

آثار و بناهای سبک عربی دارای ریشه های قدیم تری است که بحث درباره آنها خارج از موضوع این تحقیق و بررسی میباشد. امکنه مقدسه و معابد متعلق به دوره هلنیکی (۱۶) و بناهای عمومی رومی را که در سرزمینهای اطراف دریای مدیترانه قرار گرفته میتوان نزدیکترین اجداد آنها بشمار آورد.

در ایران چند اثر کمیاب از این نوع انبه وجود دارد که مشخصات آنها یک حیاط مرکزی است که به رواقهای یکنواخت و مشابه متعددی محدود میگردد (۱۷). این آثار که تصویر ۴ نمونه هایی از آنها را نشان میدهد از مصالح محلی ساخته شده است.

پس بجا خواهد بود که خصیصه مسجد عربی را که در چند مسجد ایرانی باقی مانده از زمان عباسی جلوه گر شده است، با بناهای ایرانی دسته B درهم نیامیزیم تنها بخاطر اینکه شبستانهای متعلق به این دسته (که بطور کلی دارای ریشه پیش از اسلام است) از بامهای مسطح یا

طاق دار آنطوریکه در مساجد عربی یافت میشود پوشیده شده است. نباید تصور نمود که مساجد کوچک ایرانی که شامل یک شبستان ستوندار یا دارای یک شبستان بسته از این نوع میباشد منحصر " متاثر از سبک عربی هستند.

البته در مورد این بناهای محدود که غالبا یک حیاط دارد تمیز بین اصل عربی از اصل ایرانی دشوار خواهد بود.

در حقیقت در دوران اسلام مومنین که مانند دوران آئین زردشت معبدی نزدیک در اختیار نداشتند با شتاب در جستجوی یک حیاط محفوظ برآمدند. چون در ایران پیش از طلوع اسلام چنین محوطه محفوظی که برای جمعیت مساعد و از آلودگی حیوانات و کفار در امان بود قبلا وجود داشت بزودی محل برگزاری نماز از خصوصیات دائمی آنها گردید همین امر موجب اشتباهی که قبلا بیان شد گردیده است.

در میان مساجد اولیه ناحیه اصفهان چند بنای دایر را می یابیم که در وضع بسیار خالص خود مسطوره هایی از بناهای ایرانی دسته A می باشند. دو نمونه مختلط از همین دسته نیز وجود دارد. محققا " چنانچه شرایط محلی اقتضا میکرد با یکی از نمونه های دسته B درهم می آمیخت این چنین نمونه ها بصورت منفرد وجود داشت که در زمان ما در تحت همین شکل بحیات خود ادامه می دهند.

چند بنا از نوع C دوام نفوذ مسکن سنتی را نشان میدهند. با وجود این بناهای دیگری که همچنان روحیه ایرانی خود را حفظ کرده اند ناشیرانی از نفوذ عربی را منعکس میکنند.

بالاخره چند مسجد قدیمی که استاد بنایان محلی آنها را ساخته اند بطرز آشکاری از مساجد بزرگ شهری عرب الهام یافته اند.

● مساجد از نوع A, a

نمونه بسیار بارز این دسته در مرز استان اصفهان در

بزدخواست فرار گرفته است . در اینجا در سال ۱۹۳۸ در یک مسجد کوچک یک چهار طاقی ساسانی شناسایی شد . بنابراین این مسجد احتمالاً " قدیمترین بنای اسلامی شناخته شده بر روی فلات در کشور ایران میباشد (تصویر ۵) (لوحه ۱) از روی موقعیت این بنا که بر روی پرتگاه صخره ماندنی در کناره جاده اصلی فرار گرفته و از دور نمایان است منطقاً " میتوان استنباط نمود که این معبد کوچک از همان آغاز فتح ایران بعنوان محل عبادت برای آئین جدید برگزیده شده است (۱۸) . در نقشه ماکه از احرای آن اکنون سی و پنج سال میگذرد (خیلی پیش از سقوط صخره که نیمی از بنا را با خود برد) بطور وضوح قسمت پیش از اسلام بنا با خط درشت از ملحقات بعدی مشخص گردیده است .

دروغله اول ته چهار طاقی با حجاب ضخیمی از خشت خام که در آن محرابی تعبیه شده مسدود گردیده است . دودخانه طاقهای جانبی نیز با دیوارهایی که ضخامت آنها کمتر است بالا آورده شده و در جدار یکی از این دیوارها در قسمت شمال شرقی بعدها دری برای ارتباط با یک حیاط احداث گردیده . منتها الیه این حیاط (که در همان راستای چهار طاق است) بوسیله ملحقاتی از زمانهای متاخر اشغال شد .

دومین تغییر شکل در این بنا که بدون شک پس از اسلامی کردن معبد صورت گرفت الحاق دهلیز ماندنی است که بر روی صفه شمال شرقی احداث و توسط یک طاق مرکزی از آن جدا گردید و دو در جانبی در طرفین آن بوجود آمده بام این تالار با سقف مسطح پوشیده بود .

سومین تغییر شکل شامل بنایی است در جلو ساختمان الحاقی و آن شبستانی است که یک چشمه مرکزی دارد و با قبه های نسبتاً " مسطح پوشیده شده است . در دو سوی این چشمه مرکزی دو دهلیز جانبی قرار گرفته است . ورودی از

پهلوی در زیر یک سر پوشیده ساخته شده . این الحاقی که تاریخ آنرا میتوان در حدود قرنهای ۱۴ و ۱۵ میلادی فرار داد شاهد استقرار مجدد گنبدی بوده است که از گنبد کم خیز چهار طاقی بمراتب بلندتر بوده است .

سرانجام چهارمین دوره تحول این بنا در قرن هیجدهم میلادی پس از ویرانی پوشش فوقانی گنبد زینتی و چشمه شستان وجهه تازه ای به بنای می دهد : چشمه شستان بصورت حیاط در می آید و در سمت چپ آن یک شستان پوشیده با شش قبه کوچک (شبیه به دسته g, B) تالیه پرتگاه ادامه می یابد .

دهکده قدیمی کوهپایه (یا کویا) (۱۹) در میان آثار دیگر بقایای یک دژ ساسانی و بویژه یک مسجد جمعه نسبتاً وسیع را حفظ کرده است (تصویرهای ۶-۷-۸) . این بنا در نظر اول پیچیده می نماید و در واقع از ملحقاتی در پی ایکه اثر اولی را بزرگ ساخته تشکیل یافته است .

معدالک این نشو و نما بطریقی جریان یافته است که تحلیل دقیق ساختمانها ، بدون فرضیات خطرناک تمام تاریخ بنا را آشکار میسازد .

بر روی یک صفه که از تمام قسمتهای اطراف مجزا است یک چهار طاقی بنا گردیده بود که از لحاظ ابعاد شبیه چهار طاقی بزدخواست بوده است . این بنا (ابعاد داخلی ۶×۶ متر) محققاً " متعلق بدوره ساسانی و براساس همان گروه ساخته شده بوده است . دهانه طاق جنوبی برای احداث محراب مسدود گردیده (۲۵) در این شهر که دارای آب و هوای کویری است مومنین بر روی قسمت شمالی صفه که خالی مانده بود به اقامه نماز می برداختند . بعدها هنگامیکه مساجد با نقشه عربی در کشور ساخته شد این طرح مورد اقتباس فرار گرفته با روستهای محلی زمخت یک حیاط منظم که با رواقهای مضاعف احاطه شده بود بوجود آمد . این ساختمان که با

سیک خارجی اجرا میشد خود کفا بود لیکن در اینجا از نظر تقدس و احترام به بنای قدیمی قسمت اصلی معبد را باقی گذاشتند .

این امر مسئله‌ای را پیش آورد که با ظرافت کافی حل گردید . در حالیکه نخستین دهلیز اطراف حیاط از یک سلسله تالارهای سرپوشیده با طاقهای زمخت پوشیده شده (تعداد پنج طاق در وضع خوبی بجای مانده است) (صورت ۶) دهلیز دوم با طاق آهنگ منتهی (که نمای نیمرخ آن تقریباً " بشکل کلیل است) مستور گشته که نقطه خیز طاق آن بسیار بلند است .

چنین عملی اجازه داده است که بالاتر از قوس چهار طاق که در مقابل محراب واقع شده بگذرند و نیز همین امر این آزادی عمل را فراهم ساخته که دهلیز دیگری بر امتداد محور محراب ایجاد گردد . محل قاطع این دهلیزها را با گنبد کوچکی پوشانیده‌اند (لوحه ۲ ، B) .

این بنا در وضع ابتدائیش در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) در حقیقت از دو مسجد تشکیل یافته بود یکی مسجد اولیه از یکار گرفتن چهار طاق (دسته A ، B) که با مسجد دیگری که دارای ترکیب عربی بود پیوسته بود . این مسجد اخیر جهت اتصال از عنصر ساسانی (دسته A ، B) که همان دهلیز با گنبد مرکزی باشد استعانت جست .

مشخص ساختن منتهی الیه حیاط در سمت شمال از برکت وجود یک زیرزمین کهن صلیب شکل (۲۱) و همچنین بقایای مهم پایه و قوسها امکان یافت . اکنون با قاطعیت کامل میتوان دانست که نمای شمالی مانند نمای جنوبی (صورت ۷) شامل سه دهانه طاق بوده که طاق مرکزی احتمالاً " بزرگتر و مشرفتر بوده و دهانه یک دهلیز پوشیده با طاق آهنگ را تشکیل میداده است (بنابراین یک ایوان وجود داشته‌است) . علاوه بر این ، این حیاط مستطیل شکل در هر یک از

اضلاع طولیتر خود پنج چشمه طاق داشته است . چون در داخل جسم ساختمان شرقی چهار قوس مضاعف اصلی وجود دارد (در " V " تصویر ۶) که متکی بر پایه‌هایی است که دهلیز اولی را از دهلیز دومی جدا می‌سازد و نیز چون کوچکترین نشانه کردن یا باقی مانده قوسی شبیه آنچه بر روی پنجمین تویزه قرار دارد یافت نشده است تقریباً " مسلم است که بر روی این محور در اطراف حیاط دو دهلیز ایوان مانند شبیه آنچه در بخش جنوبی محفوظ بجای مانده وجود داشته است .

بنابراین ترتیب چهار ایوانی این حیاط که تا حد زیادی ترتیب همان تالار زیر زمینی را تکرار کرده است از مجموع این بنا در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) یک نمونه مسجد چهار ایوانی را بوجود آورده که خیلی مقدمتر از مسجد چهار ایوانی زواره میباشد . این امر چندان تعجب آمیز نخواهد بود اگر تصور شود که کاروانسرای چاه سیاه قدیم (۲۲) که همچنان به سبک چهار ایوانی است در همان عصر ساخته شده و آنطور که بعداً " خواهیم دید مسکنی دیگر با احتمال زیاد از همین اصل پیروی کرده‌اند همچنین ملاحظه خواهد شد که مسجد در این برهه از تاریخ خود در اطراف مقصوره شامل دو حیاط خلوت کوچک میشود که مختصر روشنائی به دهلیز مجاور میدهد . در این عصر مسجد کاملاً " محصور شده بود و از آن بعد در حدود آن تغییری حاصل نگردیده است سپس در دوره " حکومت سلجوقیان یک مناره و دو حیاط خلوت بآن افزوده شده است . بعداً " نیز در زمان مغول با احداث ایوانی در منتهی الیه شمالی حیاط که در درون ساختمانهای قدیمی جای گرفت تغییرات و خرابیهایی سار آمده بهمین مناسبت نماهای جدیدی روسازی شد (لوحه ۲۳) و در سمت جنوب توسعه‌هایی بوجود آمد و برگشت که خیز چهار طاق گنبدی دیگر سوار گردید (لوحه ۲۴)

● قهپی

در همان ناحیه در ۱۱ کیلومتری مغرب کوهپایه قرار گرفته و مطابق روایت محلی کهن‌ترین محل تجمع این منطقه می‌باشد (۲۳). راستی هنگام طپ کردن این پسته وسیع که مرکز شترداری بوده و با ظهور انقلابی که دروسائط نقلیه بوجود آمده بسختی آسیب دیده است، در کوجه‌های متروک این آبادی دوباره بکار گرفتن طرز ساخت و مصالح بسیار کهن بکرات مشاهده می‌گردد. این محل که کاملاً "جهانگردان از آن غافل مانده‌اند بناهای فراوانی را شامل می‌شود که یادگاری از پیشه قدیمی کاروان داری می‌باشد. در میان اشباح این ابنیه چندین ساختمان کوچک مذهبی اما بسیار جالب خودنمایی میکند. حالس‌ترین این آثار بر فراز صفه‌ای مشرف بر یکی از محلات مسجد جمعه می‌باشد (صورت ۹).

اثر ابتدائی یک چهارطاقی بوده که از چهار طرف باز و بالنتیجه خوب نمایان بوده است. بر روی همان سکو چاهمی حفر کرده بودند که اکنون در حیاط مسجد قرار دارد. در سمت غرب بقاصه کمی پشته‌ای چهار گوش واقع شده است. این پشته که دهقانان داستان گذشته آنرا فراموش کرده‌اند بنظر میرسد که یکی از الحاقات چهارطاقی بوده است. چهارطاقی که ابعاد داخلی آن تقریباً ۵/۵×۵/۵ متر است. شامل دیوارهای بسیار ستبری است که بواسطه ترمیم‌های ابتدائی گندنی خاکی (Cyclope) بر فراز آن اغراشته شده است (لوچه ۳). روبرو و سبک ساسانی بنا را منظره فوسیا که بر اثر اندوذهای متوالی بصورت مساعی (Opifvaz) در آمده‌اند نکذیب نمی‌کنند. جایگاه برافراشته‌ها، جاه آب و آوارهای فرو ریخته محاور هدف اولیه بنا را بعنوان جایگاه مراسم آئین زردشتی صحه می‌گذارد (۲۴). تعبیر شکل و تبدیل این بنا به مسجد مراحل ذیل را طی کرده است: نخست دهانه طاق جنوبی را محدود و در دیوار آن محرابی احداث کرده بودند. دو دهانه جانبی و دهانه طاق شمالی همچنان آزاد رها شده بود. بعداً "صفه" شمالی

تبدیل به حیاطی شد که از سوی مشرق و مغرب به دو راهرو محدود میشد که با کو بندی بسته شده و بیکدیگر ارتباط داشت. در سال ۱۹۶۳ کارهای اندودی دیوارهای ته بنا را کاملاً پاک کرده اجازه داد که آویختگی (Accrochement) دیوارهای نگاهدارنده طاقها و گرده و نیرنگ طاقها آشکار گردد. در همان زمان که راهروهای جانبی ساخته میشد یک راهرو سویی نیز در مقابل طاق شمالی احداث شد. در عصر صفویه این قسمت محوری بخاطر یک ایوان وسیعتری دستکاری گردید. لذا ما اکنون نمی‌دانیم محل عبور اولیه چگونه بوده است. معذالک ترتیب آن نباید با ترتیبی که در مسجد جمعه کوهپایه دیدیم اختلاف داشته باشد. فرضاً بصورت یک راهرو (C و B) با گنبد مرکزی کوچک بوده است.

همچنین در عهد صفویه دو حیاط کوچک (۴ در صورت ۹) با دو گنبد محافظ پوشیده شد و این دو گنبد نیز با دو پوشش سبک که طبق سلیقه روز فقط جنبه تزئینی داشت مقرر گردید. در دو نمای جانبی نیز تغییر شکل صورت گرفت ولی در تقسیم بندی آنها دگرگونی حاصل نند. قسمت شمالی حیاط بصورت صفه‌ای در آمد که آنجا منظره دهکده و ماورای آن گسترش یافت. این محوطه محدود (صورت ۹) یک شستان زیرزمینی را می‌پوشاند که طاقهای صفوی آن (در بازسازی ۱۹۶۳) بر روی پایه‌های قدیمی قرار دارند. از اینکده سابق بر این در قرن هفدهم میلادی یک شستانی در اینجا بوده است شکی نیست لیکن کمتر احتمال داشته که روی آن طبقه‌ای بوده یعنی یک ضفقه که هم کف حیاط باشد. در ورای دیوارهای شرقی و غربی این زیرزمینی هیچ نشانه‌ای از مصالح و طرز ساختمان باقی نمانده که اجازه دهد تصور کنیم که یک ساختمان عوفایی مربوط به دهلیزهای کوسازی شده (Alveolaire) وجود داشته است. بیشتر ما فکر می‌کنیم که شستان در مقابل دیوار پشتبند صفه اولیه که شاید در جای یک یلکان وسیع مربوط بآن ساخته شده بود.

پس در تحول خود مسجد جامع قهپی مراحل زیر را طی کرده است: الف) یک چهار طاق اولیه (احتمالا "معدی زردشتی")، ب) تبدیل این چهار طاق به مسجد با الحاق ساده یک محراب، ج) شکل یافتن یک حیاط ملهم از مساجد عربی در قرون دوم و سوم هجری که طبق وسائل سنتی تحقق یافته: دهلیز با گنبد و دهلیزهائی با دیوارهای کنوبندی. در همان زمان الحاق یک مسجد زیرزمینی (دسته Bf)

د) کارهای تزئینی در قرن یازدهم هجری (قرن هفتم میلادی): ایوان بزرگ بر روی حیاط و دو شبستان الحاقی از پوشاندن حیاط خلوت‌های جانبی مقصوره (گنبد خانه) که همانند آنچه که در مسجد جامع کوهپایه انجام گرفت.

در آبادی قهپی علاوه بر این بنای عالی که از ترکیب چندین عنصر کهن (A, B, C, D, E, F) احداث گشته در میان ویرانه‌های گوناگونش (باره، برج، حصارهای کاروانی) حاوی چندین مسجد قدیمی دیگر است (نوع B) که با اندازه کافی محفوظ مانده و همچنین بنای شگرف امامزاده شاه عبدالواحد، این بنای کوچک که بقایای جسد این قدیس را که میگویند برادر امام رضا است در پناه خود گرفته در وضع خوبی در غرب آبادی کاملا "نزدیک مظهر فنائی واقع شده است.

این بنا نیز چهار طاقی است کاملا "به سبک و روش ساسانی: جرزه‌های عظیم که تشکیل طاقهائی که بطور نامحسوسی جناغی است داده، گنبد خاکی (تخم مرغی) که بر روی سنگ‌های منحرف (Gau che Pendentif) تکیه دارد، طاقنماها پس از فتح ایران با دیوارهای نازکی بسته شده است و رودی این محل که به وسعت ۵x۵ متر است در سمت شمال توسط حیاط کوچکی انجام میگردد که در آن که بطرف خارج باز میشود و در برابر جوی آب قرار گرفته است. چند قسمت الحاقی تقریبا "ویرانه از این محوطه نور میگیرد معذالک یک گوشه تاریک مستقیما " به روی مقبره باز میشود. این ملحقات همانند تزئین نیم محو

سردر و مرقد (صندوقه قبرینای آجره است با ابعاد ۲x۹/۵x۱/۵ متر که با محجری از چوب مشیک حفظ شده و یک پارچه سیاه آنرا پوشانده است) از قرن ۱۱ هجری (قرن ۱۷ میلادی) میباشد. در این دوره که نسبت به ائمه احترام و اشتیاق فراوانی ابراز میشد، نوسازی و تزئین امکنه مقدسه بدیختانه کارهائی را که در اوائل حال در این چهار طاقی اجرا شده و قسمتهائی که بنای الحاق گردیده بود ناپدید ساخته است (۲۵).

گفتن اینکه این چهار طاق بعنوان یک مسجد مورد استفاده قرار گرفت احتمالا "خطا است. پیش کشیدن این مطلب که این بنا قبلا "معبد زردشتی محل بوده قابل قبول است (وجود آب در محل). فرض اینکه تاریخ این بنا به حدود پذیرش اسلام در ایران کمی قبل یا بعد از آن میرسد کمتر با شکل روبرو میشود. در قصد معین کردن تاریخ اولیه و تاثیرات بعدی که در این بنا حاصل شده باید به بعضی مسائل احتیاطی توجه کرد. چهار طاق‌ها در گذشته و حال دارای ارزشهای گوناگون بوده و هستند (۲۶) اما چون تقدیس ائمه بلافاصله پس از پذیرش اسلام عمومیت نیافته بنابراین این امکان وجود دارد که این امر در انجام مدت مدیدی پس از اسلام آوردن این دهکده که مرکز یکی از آخرین معابد محلی زردشتی بود اتفاق افتاده باشد.

لحظه‌ای این روستای محقر را کنار نهاده پس از عبور از لیه دریاچه خشکیده ۱۲ کیلومتر سوی شرق به شهر کوچک پر جوش و خروش آخند می‌رسیم (۲۷).

از چند دهه پیش این قریه بوسیله حصاری که هنوز ضروری بنظر میرسد مورد حفاظت قرار گرفت چه حصار مذکور در مقابل گردبادهائی که گرد و خاک با خود می‌آورد بسیار سودمند است. آخند با همان وضع قرون وسطائی خود باقی مانده است.

برای رسیدن به مسجد جمعه که در سوی شرق و در خارج از دیوار دهکده در میان ویرانه‌های فقیرانه‌ای که بقایای مساکن اولیه است باید از بازارهای کوچکی گذشت و کوچه‌های پیچ‌پیچی

را دنبال کرد. در طی این مسافت آب انبارهای بزرگی که از یادگیرهای بلندشان مشخص میشود و دومی مسجدی که دوباره از آن سخن خواهیم گفت مشاهده میگردد.

با دیدن این مسجد جمعه معلوم میگردد آنچه در مساحت جمعه قه‌بی و کوهپایه در دو مرحله انجام یافته در اینجا در یک مرحله صورت پذیرفته است؛ یعنی اختلاط یک چهارطاق و یک مسجد کوچک عربی. بالنتیجه این اثر باستانی آن‌چنان تغییرات آشکاری را متحمل شده که در بررسی و مطالعه آن هیچ مراقبتی فراهم میشود.

در وضع فعلی این بنا از یک حیاط مربع تقریباً 10×10 متر تشکیل یافته که محدود به دو دهلیز است که دیوارهای آن کنوسازی شده است. در منتهی‌الیه جنوبی این حیاط ایوانی احداث گشته که با مقصوره مرتبط میباشد.

در اطراف این مقصوره دو شستان قرار دارد که با گنبد پوشیده شده است. تنها ورودی بنا در نمای شمالی قرار دارد که در پس کوچه‌ای یار میشود که سابقاً با سه طاق پوشیده بوده است. دروای این ورودی با ایوان کوچکی برمیخوریم که از آن یک بلکان راست و سربالا به پشت بام می‌پیوندد. یک بلکان دیگر هم به یک شستان دراز زیرزمینی منتهی میشود (شکل ۱۵).

هنگام بازدیدها در اوت ۱۹۶۳ تعمیرگران در حال سازسازی طاقها و اندود آن بودند و همین امر برای مشاهدات ما شرح‌زیر فوق العاده مساعد بود:

مقصوره یا گنبد خانه - یک چهارطاق (ابعاد داخله آن 4×4 متر) مطابق یک متداول بنا گردید؛ فوسها کاملاً آزاد است لکن حرزهای شمالی که از حرزهای حویلی کم ضخامت بر است یا دهلیزهای اطراف حیاط مشترک میباشد. طاقهای جنوبی با دیوار ضخیمی مسدود شد و در زمان صفویه بازسازی گردید.

دهلیز واقع در شمال مقصوره بر روی محور عرضی توسط

یک ایوانی دوباره بریده شده است. در قطعه دهلیز واقع در سمت راست این ایوان نهرنگ طاق آهنگ اولیه با کنده‌کاریهای روی دیوار جانی عقب در سمت شمال مشهود است. بخش عربی دهلیز محققاً "بهمین طریق با طاقهایی مسقف بوده است.

دهلیزی که بر روی بقایای شرقی و غربی قرار داشته مانند مقصوره بر روی دو حیاط کوچک باز میشده است. دهلیزهای جایی شرقی و غربی حیاط بزرگ در وضع اصلی خود هستند؛ آنها هر یک دارای سه کنوسازی است پوشیده با طاقهای آهنگ که بطور نامحسوسی جناغی است در زیر این طاقها دهانه سبتا "کوتاه

ارتباطی است. این پوششها تقریباً بدون دستکاری باقی مانده لکن در دو دهلیز غربی پوششها به سبک مغول با بیرون آوردن مصالح کادرهای گودی در آنها در آورده اند. نما سازی در طرف ورودی کاملاً شبیه نما سازی سمت جنوب است؛ پوشش این قسمت تماماً "مرو ریخته اما در حرز ایوان تا ارتفاع ۲۰ سانتیمتر بجای مانده است. قسمت اسکلت بندی همانند دهلیز جنوبی است. طاقهای آهنگ تخم مرغی (که منتهی‌الیه آنها باقی مانده) توسط ایوانی مجدداً بریده شده است.

در خارج بنا پس کوچه یا سه تویزه و طاق خشتی نه آجری مانند آنچه در مسجد صورت گرفته پوشیده است. حرزهای حامل فوسهای تویزه در داخل دیوار مشترک قابل رویت است و در جانب دیگر پایه‌های انکائی در سه توده برجسته قابل شناسایی است.

در انتهای این معبر سر پوشیده و در طرف چپ یک توده ایباشته بقایای بنا نمایان است که با اعتقاد ما پایه مناره ایست که راه رسیدن آن از طریق پله سراسیمی احام میگرفته که از روی بام مسجد و معبر میسر میشده است.

نخستین مناره ناحیه اصفهان در قرن پنجم هجری (قرن یازدهم میلادی) ظاهر شده اند این مناره ها و همچنین طاقهای محاور در شمار بناهای آغاز عصر سلجوقی در می‌آیند.

سهس دهلیزهای جانبی، و احتمالاً "در جای دیگر این مسجد یک گچکاری تزئینی (قرن هشتم هجری) بعمل آمد و همچنین با یک مناره بسیار زیبا و جاگیر از نوع مناره‌های قرن نهم هجری (قرن پانزدهم میلادی) یعنی گشت، تزئین مناره (سناره‌هایی از کاشیهای تراشیده بیرنگهای آبی روشن و لاجوردی، زرد و سبزه) آرنابه کارهای انجام یافته در حکومت اوزن حسن آق قویونلو ارتباط میدهد (در قرن نهم هجری) . کوشش و حمیت صفویه در اینجا نیز مانند جاهای دیگر ایران با کارهای پر دامنه‌ای منحصر شد . یک مسجد زیرزمینی مستقل ترکیب یافته از یک تویزه پوشیده شده با چندین طاق، تجمع مومنین را برای استماع موعظه‌های مذهبی که در آن موقع مطلوب بود اجازه میداد . در مسجد قدیم گنبد مقصوره تجدید بنا یافت و دو حیاط کوچک، جانبی به دوستان متصل بهم تبدیل گردید که بهمان ترتیب پوشیده شده است .

با این کار و برای اینکه به این دو محل جدید وضعی شریف دهند دو دیوار آنها با محراب های بزرگی که بمرض طاقهای رابط با شبستان مرکزی طرح ریزی شده بود تعبیه کردند . این عمل باعث شد که دیوار چهارمی بوجود آید که مشترک با دهلیز باشد تا جایی برای طاقهای مشابهی باز گردد بالاخره این تغییرات منجر باین گردید که طاقهای اولیه دهلیز خراب گشته و طرح تجدید بنای آنها از بن ریخته شود . بطور خلاصه این اثر تاریخی مراحل دلی را ارائه میدهد :

الف) ترکیب چهارطاق اولیه مسجد در حالیکه دو حیاط کوچک بحال خود باقی مانده بود .

باعتقاد ما عملیات در اواخر قرن سون هجری (قرن نهم میلادی) اتفاق افتاد .

ب) تزئینات (مناره و شاید پوشش پس کوجه) در حدود قرن پنجم هجری

ج) تزئینات در قرن هشتم (گچ‌بری و اندود)

د) برپا کردن یک مناره جدید در قرن نهم هجری
ه) مسجد زیرزمینی و شبستانهای جدید (قرن دهم و یازدهم هجری = قرن پانزدهم میلادی)

و بالاخره در سال ۱۹۶۳ مرتب طاقهای صفوی و تجدید اندودها و نصب یک کلاه فرنگی آهنی رنگ شده برفراز ورودی

اطلاعات بارزی که این مسجد از خود ما میدهد در خالص بودن طرح آن و در تقلید درستی که از طرز ساخت زمانهای پیشین بعمل آمده نهفته است در صورتیکه این تغییرات در مساجد کوهپایه و قبه‌ی در دو مرحله انجام گرفته است . لذا باید معتقد شد که این بنا کاملاً " برای مومنین این ناحیه شایسته است . بررسیهای دیگر در نواحی محاور شاید به کشفیاتی مشابه رهبری کند .

و نیز در این سرمسجد اخیراً " وجود دو حیاط خلوت کوچک که در طرفین مقصوره قرار گرفته در مد نظر می‌آوریم . بحقیقت نزدیک است که این فضاهای باز گذشته از وظیفه‌شان که تهویه و روشنایی بخشیدن به امکنه مجاور بوده است برای مومنین لذت بخش تر بوده است . سایه خنکی که از برکت دیوارهای بلند این حیاط حاصل میشده هنگام استماع تفسیرات قرآنی پایان‌ناپذیر بسیار مطلوب بوده است .

تا اواسط عصر سلجوقی گنبدخانه‌ها (مقصوره‌ها) معمولاً " بصورت سنائی منفرد در منتهی‌الیه حیاط‌های وسیعی ساخته میشد . بزودی این بناها هسته مساجد تکامل یافته را تشکیل دادند . هر چند در شهرهای دیگر کشور مقصوره‌های چهارطاق مانند در زمان سلجوقیان (۲۸) ساخته شده بود مانند این سه بنا با یک ترکیب مهم تکمیل نشدند . مثلاً " دیوار حیاط مسجد جامع بروجرد فقط یک دهلیز ساده داشت . فقط در دوره صفویه که مذهب شیعه مذهب رسمی و ملی گردید فضاهای آزاد اطراف گنبدخانه که حاوی محراب بود مضمناً " پوشیده گردید . باستانی مسجد کوهپایه که ساختمان حیاط‌های کوچک در آغاز عصر سلجوقی

انجام گرفت محققاً " معتقدیم که در مساجد قهپی و ورکند مانند مساجد متعدد شهرهای دیگر تغییر شکل حیاطها بصورت سیستان پوشیده در قرن شانزدهم میلادی انجام گرفته است .

● بناهای از نوع A, B, C

ترکیب ساسانی چهارطاقی که با دهلیز کوچکی احاطه شده (شکل A-1) تا آنجا که اطلاع داریم مساجد مهمی را بوجود نیاورده است . معذالک این سرمشق یا ضخیم کردن و تقسیم کردن دهلیز اطراف در معماری زردشتی بعد از اسلام و در آثار زیبای آسیای صغیر و در کلاه فرنگیهای غیرنظامی ایرانی و چهارطاقهای مقبره‌ای بایستی بعمق طولانی خود ادامه داده باشد . از این نوع است قسمتی از یک بنای نظامی دوره " مظفری

نزدیک فریه قدیمی شاپورآباد که بصورت یک بنای بسیار متوازن خودنمایی میکند (شکل ۱۲) . به این ویرانه که تقریباً " دست نخورده باقی مانده بدون دلیلی عنوان مسجد داده‌اند . این بنا بدون اینکه رو به قبله باشد و یا محراب داشته باشد چهار ورودی دارد که یکی از آنها دارای یک دهلیز هشتی و پله‌ایست که بفلام گردشهای فوقانی می‌پیوندد . این بنا یا کلاه فرنگی پذیرائی و یا مقبره یکی از اشراف مهم بوده است . این نسبت اخیر بنظر مرحل میرسد چه گنج‌پایان از اینکه در زیر تالار مرکزی آن کندو کوب کنند تردیدی بخود راه نداده‌اند (۳۵) . یک مقبره بی نام و نشان در کنار ساحل جنوبی نزدیک ازیران که احتمالاً " صغوی است (شکل ۱۳) همانطور که در آن ناحیه نمونه‌هایی چند از آن دیده میشود نمونه خوبی از چهار طاقهای مقبره‌ای ارائه میدهد .

در مقابل ، در ورکند یکی از پنج روستائی که در دره‌ای دلگشا در صد کیلومتری شمال اصفهان (۳۱) واقع است . مسجد جمعه ایست که گنبد آن از میان رفته و در مقابل یک تالاری قرار گرفته که بنازگی ساخته نده است . این بنا نشان میدهد که چهار طاق که محاذ در دهلیزهایی است در قرن هشتم هجری

سنگینی بومی خود را از دست داد میتوان قبول کرد که این سکی جدید بوده که باعث از میان رفتن پوشش آن شده است . این بنای کوچک که دارای تناسبی عالی است پایان یک تکامل بدون بازمانده محلی دیگری را نشان میدهد (شکل ۱۴) .

مساجد از نوع A, B (ایوان - چهارطاق) (شکل ۱) سرمشقهای ساسانی آنها خوب شناخته شده است . برای پیدا کردن نمونه خالص آن باید به جایی دورتر در آذربایجان رفت و مسجد جمعه اردبیل را مشاهده کرد در این ناحیه اصفهان نمونه‌های دیگری از این نوع نمی‌شاسیم . در صورتیکه بعدها احتمالاً " این ترکیب ابتدائی به تشکیل مساجد کوچک و بزرگ در سراسر کشور یاری کرد .

● مساجد ایوانی (A, C)

این نوع ساب رفته و خشن (۳۲) که اصل اولیهای در تاریکی زمان گم میشود از دیرباز یک استخوان بندی کثیرالاستعمالی است که بیشتر اوقات بر روی فلات مخصوصاً " در خراسان و در حاشیه جنوبی کویر مرکزی آن برمیخوریم . این سرمشق باید در تمام طول تاریخ معماری ایران تشکیل عنصر یا عناصر محوری تقریباً " تمام ساختمانهای نظامی و مذهبی داده باشد .

نخستین مسجدی که تاکنون از این نوع در مغرب کشور شناخته شده مسجد جمعه نیریز است (۳۴۵ هجری ۵۲-۹۵۱ میلادی) (۳۳) . همچنین مسجد بسیار ساده " مصر یزدی که بر روی سکوئی مشرف بر این دهکده زردشتی نشین قرار گرفته است . اگر بتوان سخن اهالی را باور کرد و این جای برافراشته میتوان مکان معبدی قدیمی نامید .

این مسجد که میتوان آنرا از روی طرز طاق رسی آن بدوره " مظفری منسوب کرد (قرن هشتم هجری ، قرن چهاردهم میلادی) از یک حیاط بسته که در حاشیه یکی از اضلاع آن یک رواق که در این اواخر بازسازی شده وجود دارد .

در نواحی جنوب اصفهان ایوان بزرگ پیریکران دهانه طاق

وسیع خود را سرفراز صفه‌های قدیم لجنان سیم باز کرده است ؛ این بنا چیزی جز یک مسجد اتفاقی نیست . نقش مسجد به این بنا پس از مرگ بیریگران (میلاد ۱۳۰۳ = ۷۰۳ هجری) تعلق گرفت . برای تعلیم مواعظ او و مرایدانش این پناهگاه بزرگ را بنا کردند (۳۴) . تعبیری که در این بنا بعمل آمد عبارت بود از مسدود کردن قسمتی از دهانه ایوان سادبواری مزین به محرابی بزرگ گچ‌بری که شاهکاری است مورخ به ۷۱۲ هجری (۱۳۱۲ میلادی) . این دو نمونه متاخر می‌رساند که در این استان یک فرمول قدیمی پیوسته مورد توجه و عنایت بوده است .

● مساجد دهلیزدار یا رواق دار (نوع A, d)

دهلیز یا رواقهایی که نمونه های کهن آن در ایوان کرخه فرانسید (خرمابک) کوه خواجه شناخته شد بطور ساده در دو مسجد محمدیه یافت میشود که توصیف آنها توسط آندره گدار بعمل آمده و تاریخ آنها را حوالی قرون چهارم و پنجم هجری قرار داده است (۳۵) . این دو بنای کوچک به ناحیه ماکه در آن نمونه های منفرد مناسبی را می‌بینیم نزدیک است . این جای خالی در استخوان بندی مساجد جمعه کوهنایه و قبه‌ی ظاهر میشود . همچنین می‌توان آنرا تقریباً بدون تعبیر مشاهده نمود که در یک مسجد که از روی عدم مهارت در اواخر دوره معول به حدان دور از اصفهان بنا گردیده کنار رفته است " D " اشکرید (شکل ۱۵) (لوحه ۴ A) . در این بنای این قریه که سابقاً از لحاظ آثار قدیمه عسی بوده است یک مسجد بی نام و ساسی دیده میشود که ویران است و این قسمتی از یک مجموعه (حمام) آن بنازگی خراب شده و مسجد دیگری که سردر آن باقی مانده است (۳۶) . از ایوان وسیعی که بر روی حیاطی باز میشود داخل این بنای کوچک می‌گردند . حواشی حیاط راهروهایی با دیوارهای کوسازی شده فرار گرفته که با یکدیگر ارتباط دارند . در ته این حیاط مفصوره قرار دارد که قسمتی از آن کمی پس از اتمام ساختمان از روی بی احتیاطی ساخته شده است . این مفصوره

چیزی نیست جز قسمت مرکزی یک رواقی شبیه به رواق محمدیه که وسیعتر و بزرگتر ساخته شده .

محراب گچی که با اشکال نقاشی شده به سه رنگ زینت یافته تاریخ آن به حدود قرن چهاردهم میلادی میرسد مساجد رواق دار (Les mosquées à galeries) مجهز به گنبد مرکزی که طرز عمل کرد پوشش آنها اکنون در ایوان کرخه آشکار است (تعدادی فوسهای باربر که فاصله مفاصله فرار گرفته و طاقهای کوچکی که از عرض رده شده حمل می‌کنند) می‌باشند در عهد معول زیاد مورد عنایت بوده باشد .

همچنین جای تعجب نیست که پس از مشاهده شبستانهای بزرگ مسجد جمعه نزد (در ربع سوم قرن چهاردهم میلادی) دوباره در قریه سابق الذکر آخند طاق منفرد مسجد سعادت را بازباند (شکل ۱۶) .

این تالار وسیع با یک دهلیزی که دارای حقیقه دومی مرکب از اعلام گردشهاست در سمت شمال مضاعف شده است این گردشگاه از نام یک شستمان زیرزمینی که سطر ماهمنه وجود داشته استغاده کرده است (دستنه B. g) .

سایران این بنا از دو عنصر اولیه که در این نوع اولیئم سخت مطلوب است ترکیب یافته است .

محراب اصلی بطور ساده در مسجد بالائی در یکی از ناصحه‌های حائسی بین حرزهای باربر فرار گرفته است . دو ستاره با ارتفاع متوسط در طرف شرق در منتهی الیه شستمان احداث شده بدین طریق ساختمان مسجد را کامل کرده است . پس میتوان نظر داد که این مسجد سعادت ختم تکامل این نوع دهلیزی که یک بنای کامل را تشکیل میدهد نشان میدهد .

این بنا بعنوان یک مسجد منفرد به حداکثر ابعاد خود رسیده است . بعدها بدون شک بخاطر دلائل عملی که جای نامناسب محراب ناست ، این نمونه بنا دیگر مورد توجه واقع نشد .

زیرنویس ها:

۱) این مناطق بطور عمده حاشیه های شمالی و جنوبی کویرهای مرکزی است . در این نواحی بهناور که سابقاً " در زیر کشت مستور بود و از یکسو بین سمنان و مشهد و از سوی دیگر بین کاسان و یزد و کرمان واقع گردیده بود، جمعیتی انبوه زندگی می کرد .

۲) هفت صد سال بعد حمدالله مستوفی جغرافی دان در نزهة القلوب درباره مزارع بارور و برثروت این منطقه نظر خود را بدین سان ابرار داشته است . بدین مضمون که این ناحیه چون باغی واحداست که بوستانهای و روستاهای بهم پیوسته یکی پس از دیگری قرار گرفته است . معدالک کرسول [Creswell] (در کتابش موسوم به معماری اولیه اسلام) ضمن شرح روستاهای مدور بمیان می کند که طرح آنها از نمونه های کهن تری (مانند دازاگرد ، فیروآباد و تخت سلیمان و غیره) گرفته شده است و در میان این نمونه های قدیمی دکری از اصفهان بمیان می آورد که طبق گفته این رسنه این شهر نیز مدور بوده که قطر آن ۶۰۰۰ متر یا برابر ۳۰۰۰ متر بوده است . میدانم که محل فعلی شهر اصفهان را در سابق چندین دربهء مشخص اشغال کرده بود بطوریکه هنگام احداث ساختمانهای جدید در عمق دو متری گاهی به بقایای دیوارهای قدیمی برمبخوریم (نویسنده شخصا " در دو مورد به چنین بقایایی برخورد کرد) . با وجود بر این اگر در بررسیهای فعلی نتوان جای آبادیهای مدور را مشخص کرد این حقیقت آشکار است که آتشگاه اصفهان که در قدیم یکی از مساکن بزرگ ساسانی را تشکیل میداده سابقاً " با دو حصار بیضی شکل محصور بوده است که یکی از آنها محبره برجهایی است .

۳) هنگام ورود اعراب بایران دستگاه حکومت ساسانی در حال تلاشی بود . از سال ۶۳۲ تا ۶۴۲ میلادی از یازده بادشاه و یا مدعی سلطنت نام برده اند . سپاه سنگین اسلحهای که طبق یک آرایش نظامی سنتی تشکیل یافته بود در برابر تهور و بی باکی مردمی بی باانگردد پراکنده گردید . پادداری دلیرانه، مردم ولایات نتوانست فقدان درفش کاویانی که مظهر حکومت بود و در سال ۶۳۶ میلادی بدست دشمن افتاده بود حیران کند . اعتماد مردم از این امر دچار آسیب گشت . مذهب زردشت آئین رسمی دولت که بر اثر اختلافات عمیق که مردم بدانها توحشی نمی کردند متزلزل گردیده دچار حیران شده بود . تحدید نظری که برای وحدانیت اورمزد بعمل آمده بود با موفقیت قرین شده عامه مردم و

طلقات پائین جامعه دریافتند که آداب و رسوم بشمار مذهبی زبان بار زندگی روزمره، آنان را فلج کرده است. پس از شکست نیاوند سردگرد در ناحیه اصفهان افامت گزیده بود پس از آنکه در سال ۶۴۴ اعراب او را از آنجا بیرون راندند وی شهر مقدس استخر بنا نهاده شد. از آنجا عده‌ای از بزرگان و اشراف دربار را به شوش فرستاد. آنان در شوش تسلیم شده و به دین اسلام گردن سپارند. این نو مسلمانان که در میان آنان عده‌ای از روحانیون زردشتی بودند سرمنشی شد برای پذیرفتن آئین جدید که وحدانیت خدا را ترویج میکرد و مسائل زندگی را آسان ساخته بود و به خصائل اخلاقی قدیم بسیار نزدیک و برای کسانی که بدان نسرف می یافتند معافست از جزای که عمر مومنین باید سپردارند در برداشت. علاوه بر زردشتیان پیروان مذهب دیگر مانند مسیحیان و یهودیان از این روش پیروی کردند.

(۴) تعبیرات و شوع افسیمی کوچک که در مغرب رمین خاطرات پا برحائی از خود بحای نگداشته بر روی فلوات ایران اثرات ساززی دارد. وضع سسار حوب اوضاع افسیمی مرون نهم و دهم میلادی باعث توسعه سسار کساورزی و احداث روستاها شد. از پیروست که در دامنه‌های حنک کوه حوم نزدیک اصفهان سسارهایی از کرت های مزروع قدیمی و پایی برار آنها نوده‌های کئی که سساکئی رامحسم میسازد ملاحظه میشود.

(۵) رجوع نمود به " مساحد قدیم ایران " نوشته آلف. گدار در Artia Asiaticque جلد سوم ۱۹۵۶ صفحه ۴۸. رسالات مسروح در بناهای مذکور در این بررسی در کتاب راه‌های قدیمی و بناهای کنار راه ناحیه اصفهان " توسعه م. سسار آمده است. همچنین رجوع شود به " کوه پایه سسار حومه و چند بنای نصید و حوالی آن " نوشته م. سسار در Annales Islamiques قاهره ۱۹۶۶ (۶) در اصفهان از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۳ پنج سال موزالی هیچ نوع بارشی نیارند.

(۷) مساحد جبری حر محوطه‌های محصور مانند خانه بضمیر در مدینه و خانه حصره (۱۴ هجری - ۶۳۵ میلادی) نبود. مساحد کوفه سطح آزادی بود که اطراف آنرا حننه می‌کنده بودند و در سمت جنوب سسار بناهای سسار روی چند ستون موقت تعبیه شده بود. در بیت المقدس مساحد فید الصخره و الاقصاب کئی (۶۹۱ میلادی) تقلیدی از یک بنای مسیحی و دیگری (۶۹۵ میلادی) یک بازلیک برانسی بود که مورد استفاده قرار گرفته بود. مساحد امویان در دمشق (۷۱۵ - ۷۵۵ میلادی) بر جای معبدی برپا شده بود که آن معبد را قبل از اسلام جانشین بازلیکی کرده بودند. در زمان عباسیان بود که طرح حقیقی مساحد اسلامی ریخته شد. مساحد حومه سامره (حدود ۸۳۸ میلادی) و مساحد ابودلف نمونه بارز صحنهای بزرگ محاطه رواقها و شبستهای ستون دار را ارائه میدهد مساحدی را که گیرشمن در شوش کشف کرد (Revue Archeologique جلد ۱۲ - ۴۸ - ۱۹۴۷) و آنرا مقدم بر اواخر قرن اول هجری میدانند باید از این نوع محسوب داشت. بنا بر این بنای نسیسته مختصر که ساندازه یک قرن

مقدم بر مسجد سامره است. فاصله ۵ تا ۶ دهه بعد از فتح ایران بنا گردیده. با قبول اینکه این نوع طرح بنا در حاشیه ایران در هر جا مورد اقتباس قرار گرفته بود در این فاصله زمان بر روی فلات ایران ساختمانهایی از انواع دیگر احداث شد که در انجام مراسم دینی بکار میرفت. این ابنیه، این مورد استعمال را در دورهٔ مساعد خلافت عباسیان که مساجد بزرگ احداث میشد و همچنین بعد از آن دوره تا حال حفظ کردند.

(۸) رجوع نمود به جزوات اول این کتاب صفحه ۲۳ شماره ۴

(۹) مقایسه شود به مساجد قدیمه نوشته گذار و معماری ایرانی در عصر اسلامی

(۱۰) نخستین چهار طاق شناخته شده ساسانی که تبدیل به مسجد شده است چهار طاق یزدخواست میباشد. مقایسه شود با مسجد جمعه یزدخواست نوشتهٔ م. سیرو. مساجد جمعه کوهپایه و قهپی دو نمونه دیگر از این چهار طاقهاست. نوع A.B.۲ که از یک چهار طاق محاط در رواق است در چهار طاقهای کنار سیاه و جنگی جلوه گر است. مقایسه شود با "کشفیات جدیدی از آثار ساسانی در فارس" نوشته لوئی واندنبرگ. مقایسه شود با باستانشناسی تاریخی ایران نوشته هرتسفلد.

(۱۱) در فراشید خرابه های نواره خانه قرار دارد که جلو آن ایوانی واقع شده (مقایسه شود به کتاب واندنبرگ مذکور در فوق). همین ترکیب در قلعه دختر فیروز آباد آشکار است که در آن ایوانی به برج عظیم کاخ فوقانی منضم شده است؛ آنطور که تصور میشد ایوان قسمت مجرانی از این بنا را تشکیل نمیداده. مسجد جمعه اردبیل در وضع اولیه اش از نمونه های خالص این نوع است (مقایسه شود با "مسجد جمعه اردبیل" نوشته ماکسیم سیرو. بعداً "شیستانی خانی به اساس این مسجد افزوده شد).

(۱۲) فرمول ایوان که طاقی آهنکی است که یک طرف آن مسدود شده است احتمالاً "قدیمترین نوع طاق ایرانی است. کاخ کبرا در طیسفون بارزترین نمونه آنست. مسجد جمعه تبریز (۳۴۵ هـ. ۹۵۱ میلادی) و نمونه های تازه تر بسیاری از امامزاده ها و ماکس عمومی از همین نوع میباشد.

(۱۳) نخستین نمونه شناخته شده دهلیز کاخ ایوان کرخه بوده این طرز همچنین در آتشکده کرماک فرانشید و سه دهلیز کاخ کوه حواحه نیز بکار رفته است. اخلاف این نوع عنصر معماری در دو مسجد محمدیه و در ترکیب با چهار طاق در کوهپایه و قهپی در مرحله دوم آنها ظاهر میشود.

(۱۴) این دالانهای بهم چسبیده که بهم ارتباط دارند در قصور آشوری خرابه بادوبایل بچشم میخورد این نوع نالار در کارواسرای ساسانی کنار سیاه وجود دارد.

تاکنون در ایران هیچ نمونه نالارهای باستانی پوشیده با قبه های بسیار شناخته نشده (این نوع ساختمان مخصوصاً در برابر چکه و نفوذ آب آسیب پذیر است) اما قصر عربی خارانی متعلق به دوران پیش از اسلام یک نمونه از آن میباشد؛ محققاً "بر روی فلات نمونه هایی از این نوع بنا یافت میشده

است . (رجوع شود به I architecture L Orient نوشته F. Bercit صفحه ۱۰۰)
(۱۵) مقایسه سودا با قصر بارتی آشور در " I art de l iran " کاخ Nisa در
Archaeology in U.R.S.S. تألیف A.I. Morrait کیرمن در سیبایور فضای
چهارگونی را از زیر خاک بیرون آورد که هر ضلع آن دارای شاه نشین بزرگی است و تمام بناها دیوارهای
عظیمی محصور است . علی رغم ضخامت دیوارها تصور نمی کنیم که آنها حامل فضای بوده اند . این اعتقاد
را برای خود حفظ می کنیم که این فضای مکشوفه باقی مانده حیاط عمیقی بوده است از نوع حیاط های
چهار ایوانی رومی شبیه آنچه که در رباط عمان است . در مدائن چندین مسکن ساسانی از زیر خاک بیرون
آمده است Reuther نقشه قسمت بزرگی از یکی از آنها بدست داده است . در این طرح که شامل
اماکن پیچیده است ، یک حیاط یا سه شاه نشین (که نایسی شاه نشین چهارمی نیز داشته باشد) ظاهرا
محورهای اصلی را تشکیل میدهد .

(۱۶) دوره هلنیکی به دوره ای اطلاق میشود که در فاصله مرگ اسکندر کبر و ظهور امپراطوری روم قرار گرفته
است .

(۱۷) نمونه این بناها عبارت است از مسجد سوش (قرن هشتم میلادی) مسجد دامغان (قرن هشتم
میلادی) مسجد یزد (قرن هشتم تا اوائل قرن نهم میلادی) مساجد شوسر و اردستان

(۱۸) جاده ای که یزد گرد سوم مورد تعقیب قرار گرفته و سوی استخر متواری گردید از کنار یزدخواست
میگذشت .

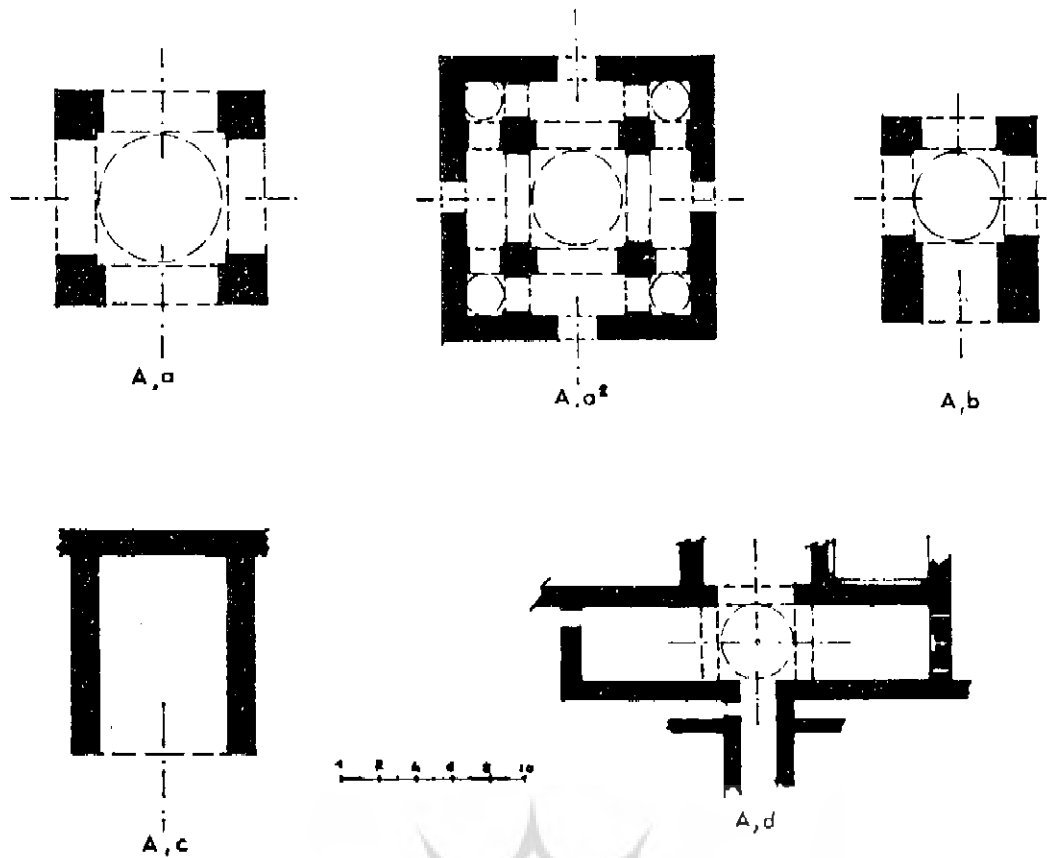
(۱۹) کوهبایه یک چهار راه مهم بوده که در آن راه های اصفهان به یزد و نائین به فمشه (شهرضا)
یکدیگر را قطع نمیکرده است . این ناحیه خشک و کویری توسط چند رشته قنات که آب مختصری دارد
مشروب میگردد . برای احتراز از گرمای شدید تابان تقریبا تمام ساختمانها دارای زیرزمینی میباشد .
(۲۰) محراب فعلی در سال ۷۱۰ هجری ایجاد گردیده است . این دیوار حجایی که احتمالا سوراخ شده
بود بخاطر احداث محراب جدید بازسازی شده است .

(۲۱) در زیر حیاط و عمیقا در زیر زمین تالاری صلیب شکل با سنگی بسیار کهن احداث شده است . در
زیر تپه مرکزی در ساسانی و در زیر حیاط حسینیه بزرگ نیز چنین تالارهایی وجود دارد . این بنای
اخیر طبق روایت محلی در جای یک معبد زردشتی ساخته شده که تا دوره صفویه دایر بوده سپس ویران
گردیده است . بنابراین میتوان تصور کرد که تالار زیرزمینی مسجد جمعه نیز معاصر چهار طاق بوده است .

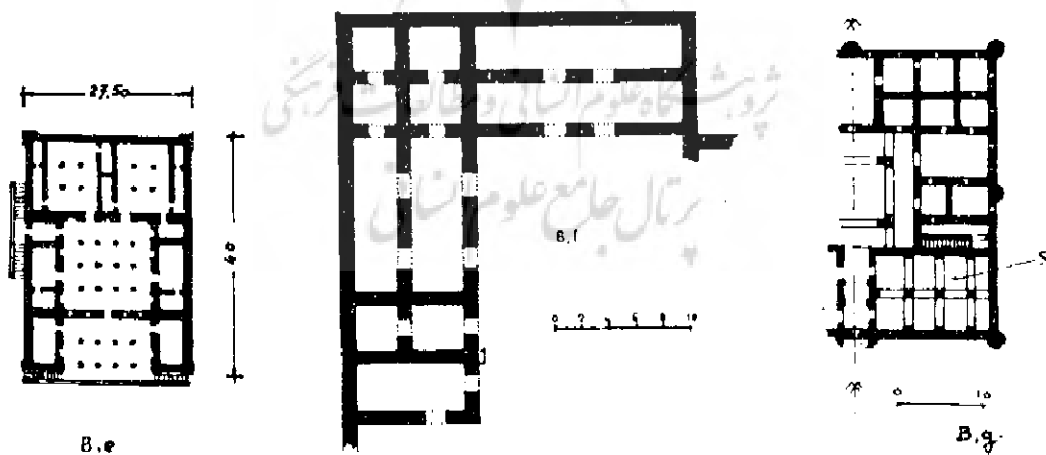
(۲۲) برای مقایسه رجوع شود به کتاب راههای اصفهان

(۲۳) فهی بر لبه کودالی قرار گرفته که سابق بر این دریاچه بوده است . در همین حاست که زاسده رود
پیچهای خود را گسترده میزند .

- ۲۴) پشته‌ای که از آوارها بوجود آمده احتمالاً "بازمانده" ساختمانهایی از همان عصر می‌باشد .
- ۲۵) زنان مومنه برای بغای سسل و اعقاب خود باین محل برای زیارت زیاد آمدوسند می‌کنند .
- ۲۶) مغایریشماری در سراسر این ناحیه (در کوهپایه چند نمونه زیبای آن یافت میشود) پراکنده شده است . کلاه فرنگیهای تعریجی حمد (باغ فین کاشان) سرزدگی این ساهاى مقدماتى را نشان میدهد .
- ۲۷) آخذن توسط چهارده قناب کوچک مشروب میشود . یک جاده مستقیم این روستا را به دهکده ورزیه متصل میسازد . ورزیه آخرین محل تجمع اسان پیش از رسیدن به مرداب گاوخوانی است که زاینده رود در این بایدید مینود .
- ۲۸) همچنین است در گلپایگان ، قم ، اردستان ، مرند ، فروین و غیره که در آنها ملاحظات در رمانهای دیرتری بوجود آمد .
- ۲۹) معبد زردشنی شریف آباد نزدیک یزد که همیشه دایر است از این خانواده میباشد (نگاه کنید به آثار ایران ۱۹۳۸ صفحات ۸۳ - ۸۹ ، شکل ۵۰) . کلاه فرنگیهای فین و اشرف بازمانده همین نمونه است و همچنین کلیسای الحضرا در سین النهرین علیا
- ۳۰) رجوع شود به راههای اصفهان ، صفحه ۲۲۸ ، شکل ۷۸
- ۳۱) جستجوی اصل اولیه ابوان بیهوده بنظر میرسد : شاید اصل اولیه به پیش از تاریخ مرسد و از پناهندهائی ناشی نده که از نی و حگن‌های بهم پیچیده و اندوده با گل در کنارهای رودخانه ها و مردابها برپا میگرددند . سرزمین ترکستان ، بین‌الهرین و سواحل دریاچه های خشک شده فلات ایران برای این کار مساعد بوده است و شاید از تونلها و شکفتهای که همیشه مورد استفاده ، سنان قرار میگرفته الهام یافته باشد .
- باین نوع شکفته و تونلها در همه کشور بر میخوریم که در بدنه ، کوهها و تپه ها و بلندیهای روسی حفر شده است . این پناهگاه ها که اغلب به چند شعبه منسعب میشود غالباً " دارای مقطع خاکی (trapezoid) شکل است . در نواحی اصفهان آسمان این نوع شکفتهها و تونلها اغلب دارای حذب کمتری است و بر روی دیواره‌های مایل تکیه دارد . این شکل کاملاً " همانند شکل طاقماهای چهار طاق بنا سر میشود که غننه آترا هاری در آثار ایران سال ۱۹۳۸ کشیده است و همچنین مانند دژ کوچک ساسانی رباط سلطان است بسیار متحمل است که این استخوان بندی 'ی معماری اخیر از این تونلهای اولیه کنده نده در دل توده‌های خاک الهام گرفته اند .
- ۳۲) نیز بزرگه از فصات فارس است در جنوب ایران واقع شده نه غرب . مترجم
- ۳۳) رجوع شود به کتاب " هس ایران "
- ۳۴) رجوع شود به " راه های اصفهان " مسجد (شکل ۸۵



شکل ۱ - نمونه های اصلی دسته A : a چهارطاق منفرد (b چهارطاقی که اطراف آن دهلیز است (جنگی فراشنید) (b چهارطاق یا یک، ایوان (فراشنید) ، (c ایوان منفرد ، (d دهلیز یا گنبد مرکزی در کوه خواجه



شکل ۲ - نمونه های اصلی دسته B (e تجره داربوش اول در تخت جمشید ، (f ملحقات معبد کنار سیاه (اقتناس از واندن برگ) (g کاخ خروانی (اقتناس از ف . بنوا) در تالار سف بر روی پایه ها .

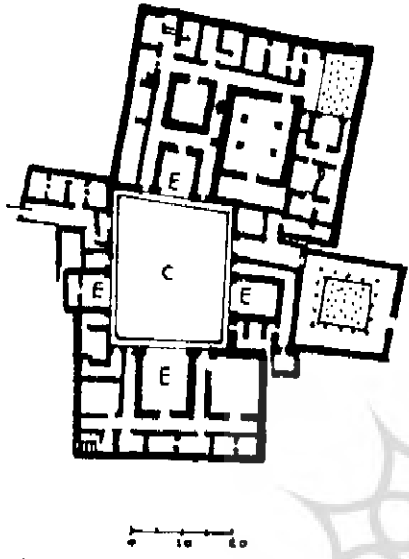


Fig. 3 h.

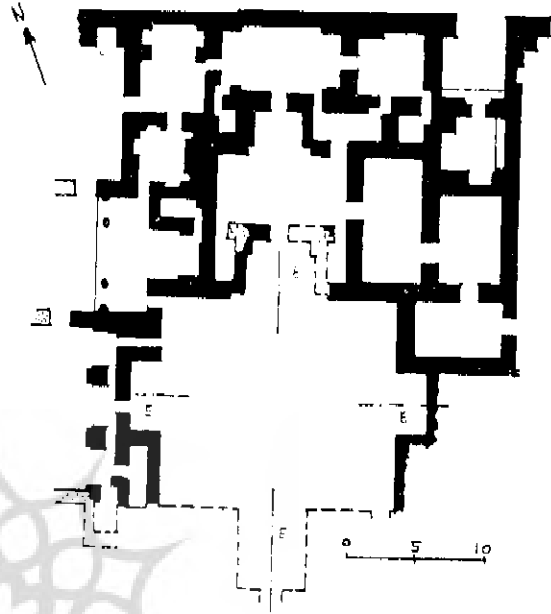


Fig. 3 i.

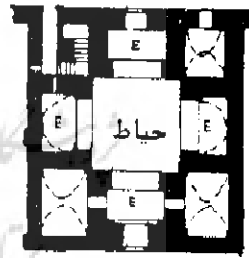
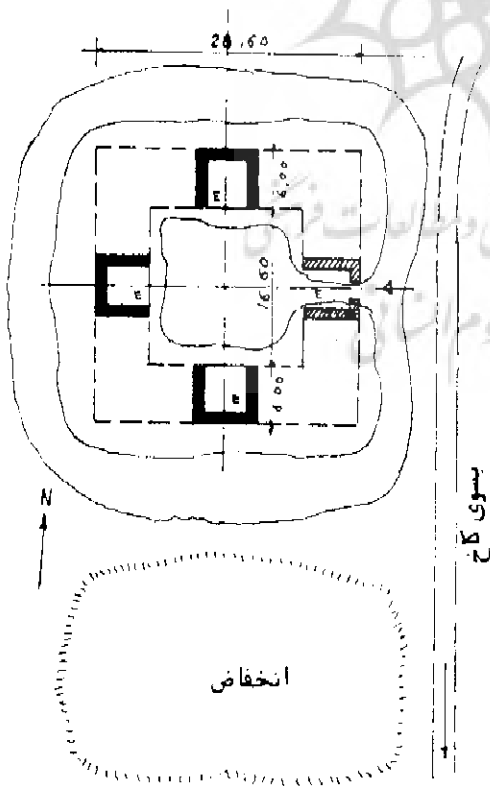


Fig. 3 k.

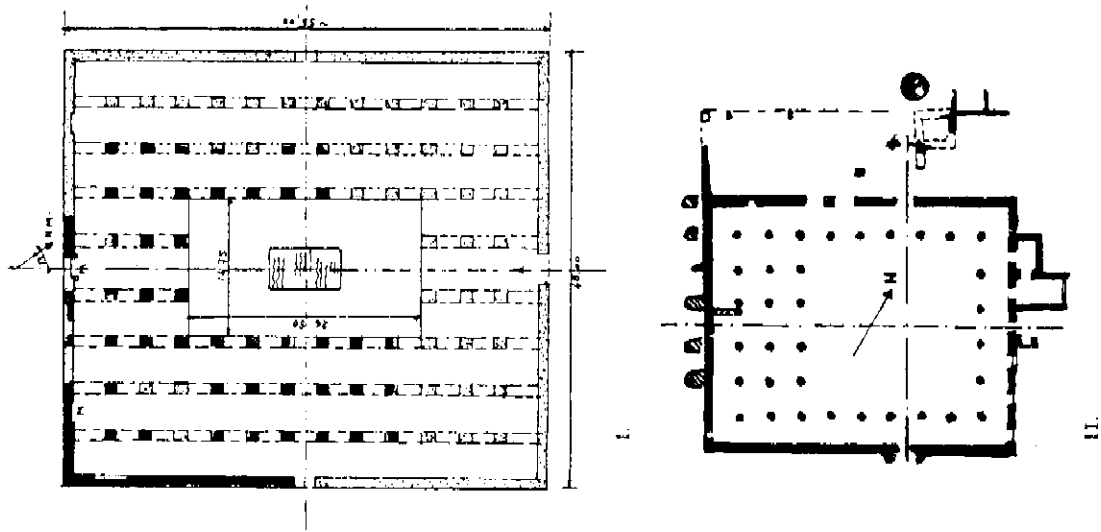
شکل ۳- نمونه‌های اصلی دسته C :

h) کاخ آشور

i) مسکن ساسانی در طیسفون

j) پست نگهبان در سروستان

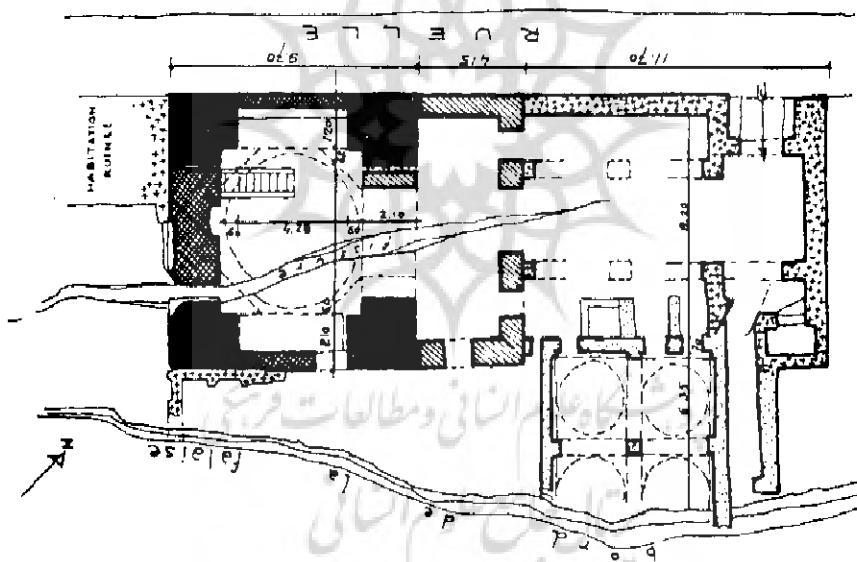
k) رباط امان



شکل ۴- مساجد ایرانی خانواده عربی

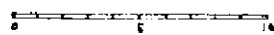
مسجد جمعه بزد (قرن دوم و سوم هجری)

ناری خانه دامغان (قرن دوم هجری)



بناهای اولیه ساسانی

دستکاری اولیه } ملحقات تازه
 ملحقات } ۲



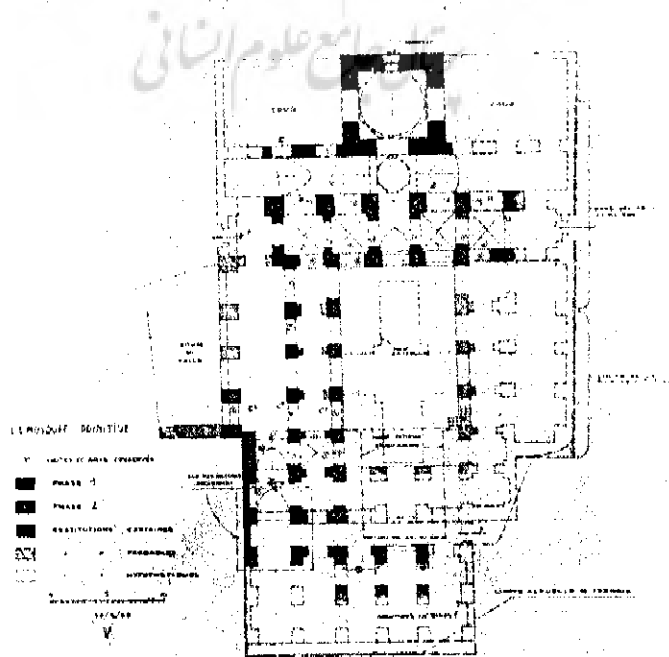
Sept. 30, Mansuri
 Mansuri

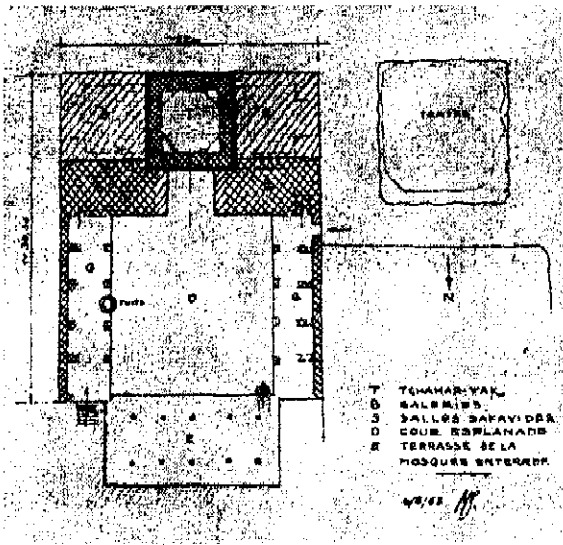
شکل ۵- مسجد جمعه بزدخواست وضع در سال ۱۹۴۱



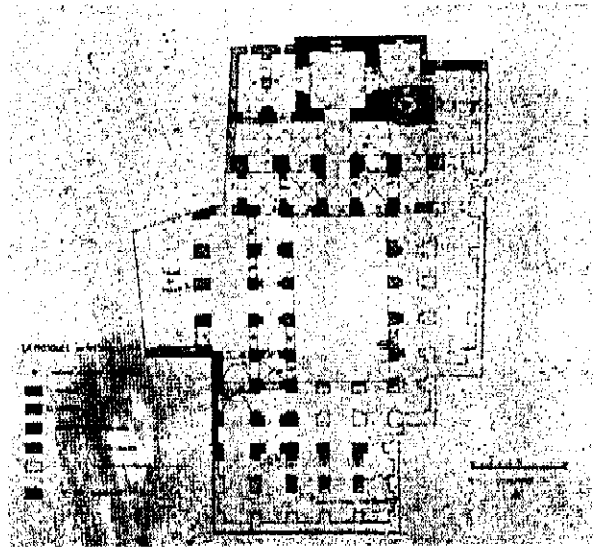
شکل ۶- مسجد جمعه کوهنیا به وضع در سال ۱۹۶۳

شکل ۷- مسجد جمعه کوهنیا به وضع اولیه - مرحله ۲





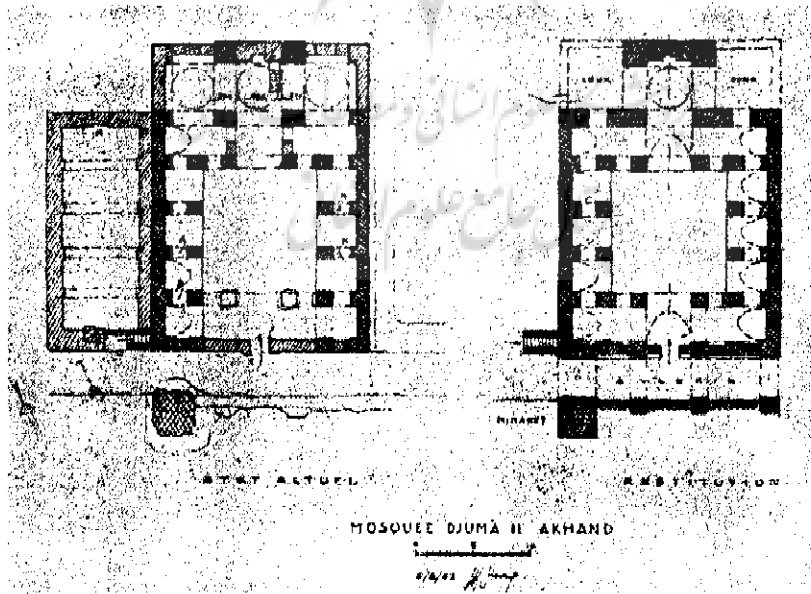
شکل ۹- طرح مسجد جمعه صہبی

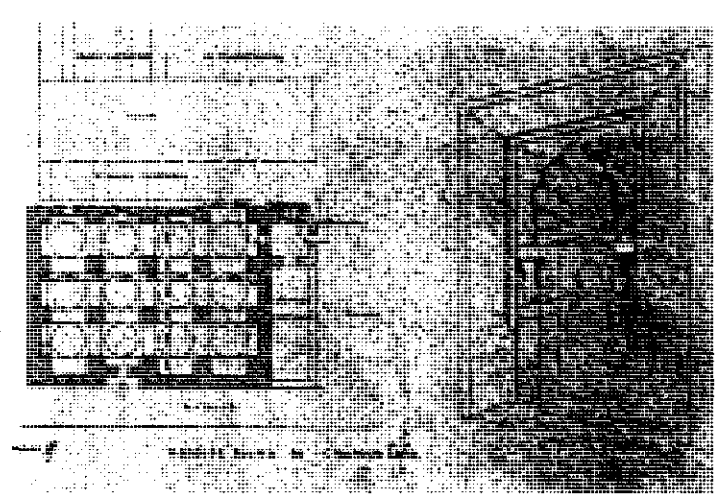
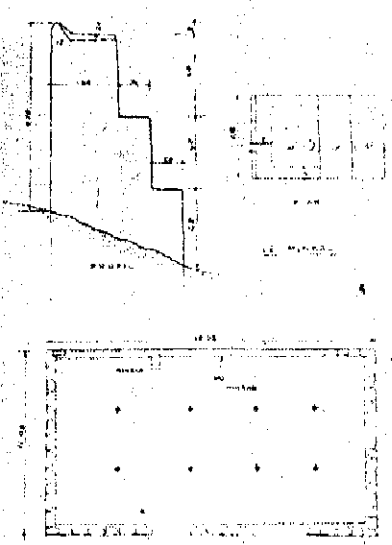


شکل ۸- مسجد جمعه کوهپایه - قرن ستم هجری



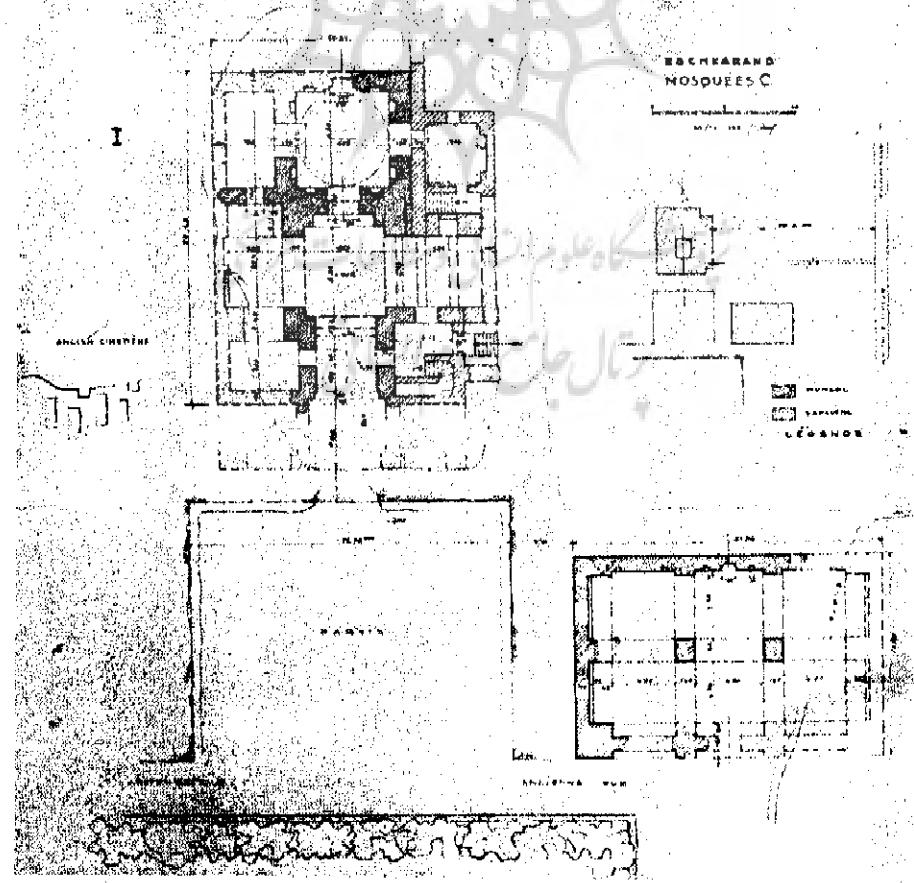
شکل ۱۰- مسجد جمعه احد





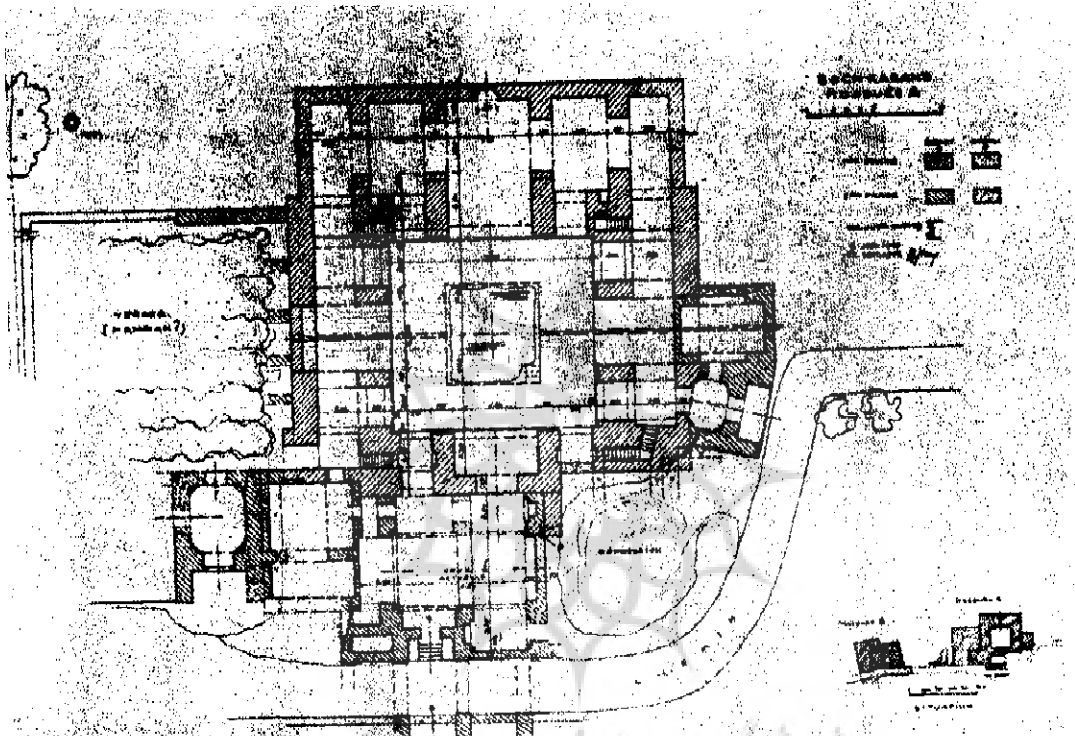
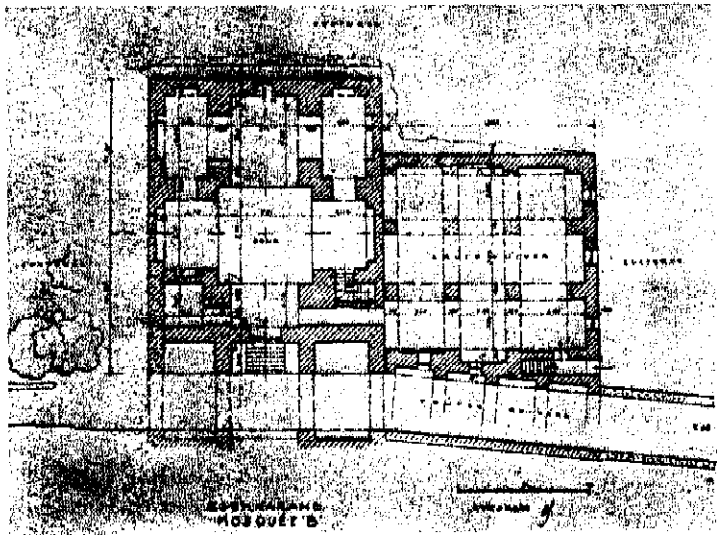
شکل ۱۷ - مسجد جمعه شاپور آباد

شکل ۱۸ - بقایای تبجن

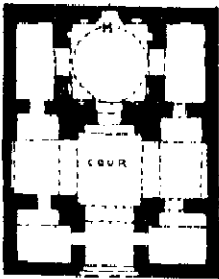


شکل ۱۹ - مسجد اشکرد " c " در شکل II ، مسجد قدیمی

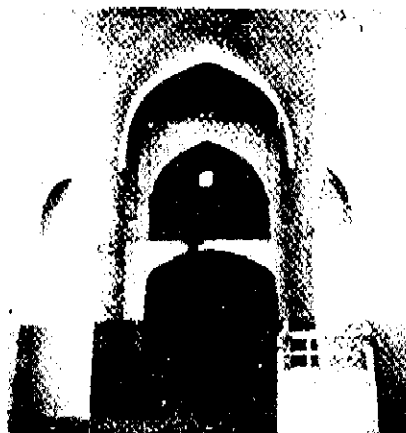
شکل ۲۰- مسجد اشکوند " B "



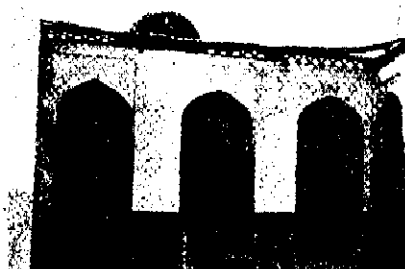
شکل ۲۱- مسجد اشکوند " A "



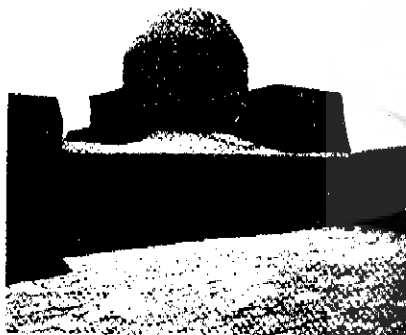
شکل ۲۲- مسجد اشکوند " C1 " باز سازی



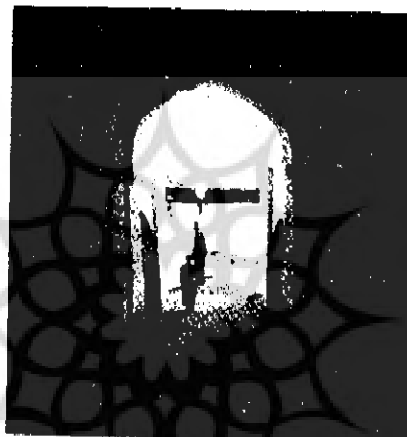
a



b



c



d

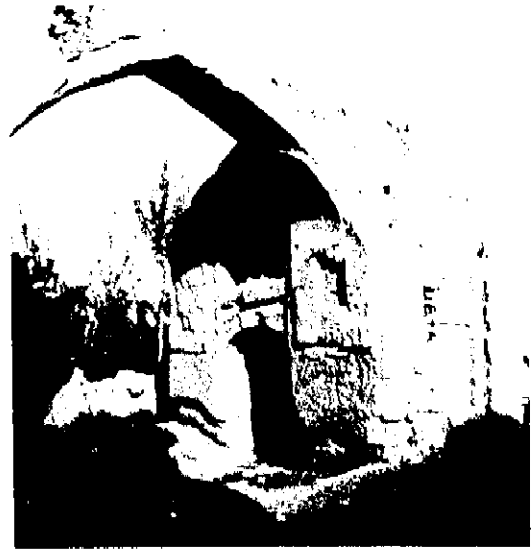
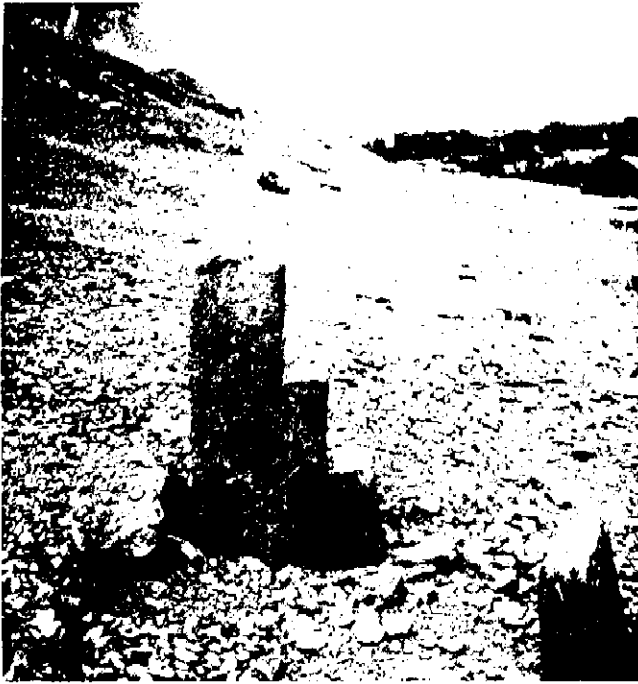
لوحة ۱ - مقصوره یزدخواست دید از جنوب

لوحة ۲ - مسجد جمعه کوهپایه (e نمای جنوب حیاط) b دهلیز محوری ، دید بسوی مقصوره (c دهلیز محوری دید بسوی حیاط . در نخستین نقشه استخوان بندی قدیمی (d گنبد خارجی (مغولی) . در سمت چپ در نخستین نقشه یک محراب

پرتال جامع علوم انسانی



لوحة ۳ - مسجد جمعه قبهی - مقصوره ، در سمت راست ، محراب

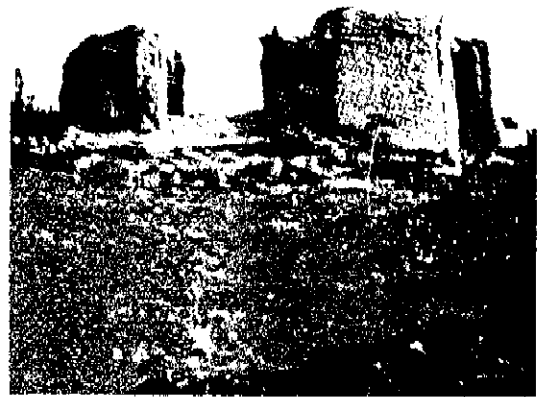


لوحة ۴- (a مسجد " D اشکرد ، ایوان ورودی ، (b منار سنگی تاج



لوحة ۵- مساجد A و B اشکرد

(a ایوان مقصوره مسجد " A " (b محراب مسجد " B "



لوحة مسجد " c " در اشکرد (e دید جانی غری (b جزئیات قاعده گنبد مقصوره .



وحه ۷ - مسجد بیزیون - در نقشه استخوان بندی اولیه ایلخانی